

هیاکل نور

سید شهاب الدین یحیی سروردی

تفسیر به نظم و نثر: دکتر انوشه شریعت تربقانی
دکتر سیده محدّثه خاتمی

سرشناسه :	شریعت تربقانی، انوشه، ۱۳۴۶ -
عنوان قرار دادی :	هیاکل انور، فارسی - عربی - شرح
عنوان و نام پندآور :	هیاکل نور سید شهیدالدین یحیی سهروردی؛ تفسیر به نظم و نثر انوشه شریعت تربقانی، سید محمد خاتمی،
مشخصات نشر :	تهران: لاهوت، ۱۳۹۹.
شابک :	۳ - ۴۹ - ۸۵۸۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیبیا
یادداشت :	کتابخانه، ص ۲۷۲-۲۷۵.
یادداشت :	نصابه.
موضوع :	سهروردی، یحیی بن حبیب، ۵۴۹ - ۸۷ ه‍.ق. هیاکل انور -- نقد و تفسیر
موضوع :	فلسفه اسلامی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع :	Islamic philosophy -- Early works to ۲۰th century
موضوع :	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع :	Persian poetry -- ۲۰th century
شناخته افزوده :	خاتمی، سید محمد خاتمی، ۱۲۶۴ -
شناخته افزوده :	سهروردی، یحیی بن حبیب، ۵۴۹ - ۸۷ ه‍.ق. هیاکل انور، شرح
رده بندی کنگره :	BBR۷۶۴
رده بندی دیویی :	۱/۱۸۹
شماره کتابشناسی ملی :	۷۴۰۱۰۶۸
وضعیت رکورد :	فیبیا

نام کتاب: هیاکل نور

مؤلفان: دکتر انوشه شریعت تربقانی، دکتر سید محمد خاتمی

ناشر: انتشارات لاهوت

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۵۰۰۰ تومان

چاپ: احسان

شابک: ۳-۴۹-۸۵۸۳-۶۰۰-۹۷۸

آدرس: تقاطع طالقانی و شریعتی - پلاک ۳ - واحد ۱

همراه: ۰۹۱۲۵۰۹۰۹۹۱

تلفن: ۶۶۴۸۸۴۹۶

فهرست

پیشگفتار.....	۹
وجه تسمیه.....	۱۴
زندگی نامه.....	۱۸
هیکل اول: هیئت.....	۲۳
هیکل دوم: نفس انسان و احوالاتش.....	۳۷
فصل اول - اثبات تجرد نفس.....	۳۹
فصل دوم - مبحث اول: قوای نفس.....	۶۱
الف) حسن مشترک.....	۶۴
ب) قوه خیال (مصوره).....	۶۵
ج) قوه وهم.....	۶۶
د) قوه متخیله (مفکره).....	۶۷
ه) قوه حافظه.....	۶۹
مبحث دوم و سوم: قوای حیوانات و حامل آن.....	۷۳
فصل سوم - عقاید نادرست در مورد ماهیت نفس.....	۸۲
هیکل سوم: واجب، ممکن و ممتنع.....	۹۵
هیکل چهارم: واجب شناسی.....	۱۰۹
فصل اول: وحدت واجب.....	۱۱۱
فصل دوم: اثبات واجب.....	۱۲۶
فصل سوم: صدور کثرت از واحد.....	۱۳۳
فصل چهارم: جهان های سه گانه عقل، نفس و جسم.....	۱۵۵
فصل پنجم: حدوث عالم.....	۱۶۷
هیکل پنجم: افلاک.....	۱۷۱
هیکل ششم: اثبات جاودانگی نفس و احوالاتش پس از مرگ.....	۲۳۱
هیکل هفتم: چیستی پیامبری، خواب و کرامات.....	۲۵۵

رساله هیاکل النور یکی از آثار ارزشمند سهروردی است که توسط خود او به هر دو زبان عربی و فارسی تألیف شده است. تا به امروز تفاسیر گوناگونی برای نسخه عربی آن تألیف شده است که مشهورترین آنها شرح جلال الدین دوانی با نام «شواکل الحور» و شرح غیاث الدین منصور دشتکی تحت عنوان «اشراق هیاکل النور لکشف ظلمات شواکل الغرور» می باشند. با وجود شهرت فراوان هیاکل النور به زبان عربی، به نسخه فارسی آن کمتر توجه شده است که این امر انگیزه‌ای برای نوشتن این اثر شد.

در این کتاب تمام جملات رساله فارسی هیاکل النور با حفظ امانت و بدون ویرایش و تبدیل به نثر جدید آورده شده است. به منظور توضیح بیشتر و بهتر اصطلاحات، بندهایی از کتب و رسائل خود شیخ شامل حکمة الاشراق، الواح عمادی، پرتونامه، بستان القلوب و یزدان‌شناخت و غیره مورد استفاده قرار گرفته است. یکی از نکات قابل توجه در آثار سهروردی این است که اگرچه او باورهای مشائیان را در حکمت و منطق در آثاری چون الواح عمادی و پرتونامه به رشته تحریر درآورده است، ولی در حکمة الاشراق «فلسفه اشراقی» را توضیح می‌دهد که از راه ذوق و کشف و شهود بدان دست یافته است. گواه این موضوع مقدمه خود شیخ در ابتدای کتاب حکمة الاشراق است که می‌گوید: «قبل از این کتاب و در اثنای آن، کتبی به روش مشائیان برنوشتم و قواعد فلسفه آنها را در آن

کتب خلاصه کردم، لیکن این حکمت که اکنون بدان اشتغال دارم، طریق دیگری است که طریقی نزدیک‌تر برای رسیدن به حقایق می‌باشد. به همین دلیل بسیاری از مطالب بیان شده در حکمت اشراق متفاوت یا برخلاف نظر مشائیان می‌باشد. از آنجایی که شیخ در کتاب هیاکل النور اصطلاحاتی از هر دو حکمت مشاء و اشراق آورده است، برای شرح آنها به مفهوم مورد نظر او به آن بخش از کتاب توجه شده و متناسب با آن در بعضی موارد از حکمت اشراق و در برخی دیگر از سایر کتاب‌های او برای توضیح بیشتر استفاده شده است که در پاره‌ای موضوعات متفاوت از حکمت اشراق یا بر خلاف آن می‌باشند. یکی از این اختلاف نظرها در مورد تعداد عقول و نحوه پیداش عالم از عقول می‌باشد که در بند ۲۲ شرح داده شده است.

موضوع دیگر تعریف جوهر و هیئت است که در این خصوص اختلاف نظر سهروردی با مشائیان علاوه بر حکمة الاشراق در کتب دیگر او مانند پرتونامه نیز به چشم می‌خورد. سهروردی برای جوهر و هیئت تعریفی متفاوت از مشائیان ارائه می‌دهد. «جوهر» در حکمت مشاء موجودی است که برای تحقق به موضوع^۱ نیازی ندارد. سهروردی در آثار خود با تعریف مشائی جوهر مخالفت کرده و جوهر را موجودی می‌داند که نیازمند محل نیست. البته هر دو تعریف از جوهر پیش از سهروردی مطرح بوده است. سهروردی در پرتونامه در این خصوص آورده است: «هر چه او را محل نیست از ممکنات آن را جوهر خوانیم و عرض آن است که محل دارد و پیش از مشائیان اصطلاح همین بوده است». با تغییر تعبیر جوهر در آثار سهروردی، تعریف هیئت یا عرض به‌عنوان غیر جوهر نیز تغییر می‌کند و چنین تعریف می‌شود که هیئت یا عرض چیزی است که برای وجود نیازمند

۱. محل دو قسم است: محلی که بی‌نیاز از حال است که موضوع نام دارد و محلی که نیازمند حال است و ماده یا هیولا نامیده می‌شود. بنابراین، رابطه محل و موضوع، عموم و خصوص من وجه است.

محل می‌باشد. تعریف سهروردی از هیئت (عرض) و جوهر در بند شماره ۱ آورده شده است.

این اثر بر اساس منبع فارسی برگرفته شده از جلد سوم کتاب «مجموعه مصنفات شیخ اشراق» به تصحیح و تحشیه سید حسین نصر چاپ سوم (۱۳۸۰) نگاشته شده است. متن عربی از کتاب تقدیم و تحقیق علی اوجیبی به نام «إشراق هياكل النور لكشف ظلمات شواكل الغرور» تألیف غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی (مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۲) گرفته شده است. همچنین در متن فارسی زیرنویس‌ها با حروف الف، ب و جیم علامت‌گذاری شده‌اند. هر یک از حروف بیانگر منبعی است که برای مقایسه با متن اصلی به کار برده شده است. این منابع عبارتند از:

الف) نسخه کتابخانه سلطان فاتح در استانبول (شماره ۵۴۲۶): که از قدیمی‌ترین نسخ آثار سهروردی است و در سال ۷۳۶ به خط شیخ علی ابن دوست خدا ابن خواجه ابن الحاج قماري الرفاعي الانقري کتابت شده است.

ب) متن عربی هیاکل النور: که توسط محمد علی ابوریان (قاهره، ۱۳۷۷) چاپ شده است. ج) نسخه کتابخانه یوسف آغا: استانبول، شماره ۲۸۶۶، تاریخ کتابت ۶۶۳.

قبل از خواندن کتاب حاضر بهتر است با بخش‌های مختلف آن آشنا شد. رساله هیاکل نور مشتمل بر هفت هیکل است که هر کدام در فصلی جداگانه و در ارتباط با موضوعی خاص آورده شده است. در منبع فارسی مورد استفاده، هر هیکل شامل چند بند است که به ترتیب شماره‌گذاری گردیده‌اند. در هر بند ابتدا متن عربی عیناً برای ارجاع در موارد لزوم و سپس اصل متن فارسی بدون هیچ دخل و تصرفی آورده شده است. به دنبال آن تفسیر و توضیح مطلب و در صورت لزوم توضیحات مکملی از کتب دیگر شیخ بیان شده است. پس از تفسیر کامل هر بند، مطالب بیان شده در آن یک بار دیگر و این بار برای زیبا و شیرین شدن متن به نظم نگاشته شده است.